

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

## مدل برجامی و پسا برجامی ایران: برجام به مثابه الگوی پیشرفت یا مانع پیشرفت

بهرام بیات<sup>۱</sup>، طاها عشایری<sup>۲</sup>، فاطمه نامیان<sup>۳</sup>

### چکیده

خاورمیانه بعد از وقوع جنگ جهانی اول و دوم، آزمایشگاه کشورهای سرمایه‌داری از جمله آمریکا و غرب در راستای چنگ انداختن به منابع توسعه‌ای از طریق ایجاد پایگاه‌های نظامی، شناسایی نخبگان محلی و ابزارهای سیاسی گردید. به این خاطر خاورمیانه به لحاظ سطح توسعه، در حال گذار و وابسته به الگوهای بیرونی جهت برون‌رفت از مشکلات توسعه و داخلی است. رخدادهای سیاسی قرن بیست و یکم در این کشورها، حاکی از فقدان یک مدل جامع و بومی در تعیین سیاست‌گذاری و چشم‌اندازهای توسعه‌ای کشور است. ایران به عنوان یکی از کشورهای خاورمیانه بعد از وقوع انقلاب اسلامی در کنار کشورهای چین و ژاپن، پیشگامان توسعه بومی در خاورمیانه محسوب می‌شود. معیار مهم تمایز انقلاب و پسا انقلابی ایران در ترسیم الگوی توسعه‌ای بدون الهام از مدل‌های بیرونی (نوسازی، وابستگی و نظام جهانی والرشتاین) در دست‌یابی به اهداف مهم انقلاب است. قدم گذاشتن ایران در مسیر توسعه با تعارض سیاسی جهان غرب به ویژه آمریکا مقارن شده است که نمونه آن رخداد جنگ تحمیلی، تحریم‌های سیاسی بعد از آن و در نهایت نقض پیمان جهانی برجام است. نتایج پژوهش حاکی از این است که برجام به عنوان یک مدل بیرونی توسعه نمی‌تواند به عنوان یک الگوی مناسب برای ایران جهت عبور از گردونه‌های تاریخی توسعه تلقی شود، با توجه به وضعیت بحرانی خاورمیانه فعلی در اثر دخالت‌های غرب در سیاست‌گذاری‌های و چشم‌اندازهای آن، تنها مکانیسم مناسب بازگشت آرامش اقتصادی به جامعه، انسجام نخبگان علمی و سیاسی و بازگشت آن‌ها به جامعه، تعامل مناسب با نظام جهانی با حفظ عزت ملی، توجه به پایه‌های توسعه (کشاورزی، دامداری، صنایع بومی کوچک)، اجماع سیاسی در سطح ملی، پایان دادن به منازع سیاسی و سلیقه‌ای در ترسیم الگوی توسعه ایران و بازگشت گفتمان الگوی اسلامی-ایرانی (اقتصاد مقاومتی) است.

واژگان کلیدی: برجام و پسا برجام، برخورد تمدن، الگوی توسعه ایران، انسجام سیاسی، تحریم

### ۱. مقدمه

نگاهی به تاریخ جمهوری اسلامی ایران که بیش از سه دهه از عمر آن می‌گذرد، بیانگر آن است که سطح روابط بین ایران و آمریکا بی‌واسطه ماهیت حاکم بر فرهنگ سیاسی و ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران، از دشمنی شدید تا انزجار دیپلماتیک در نوسان بوده است. طی این سال‌ها، ایالات متحده از حربه‌های گوناگون و بهانه‌های مختلف برای حضور در منطقه و اعمال نفوذ در ایران بهره برده و اعمال تحریم‌های اقتصادی که بخشی از رویارویی بین غرب و ایران بر سر

۱ - دکتري علوم اجتماعي، بررسي مسائل اجتماعي ايران، دانشيار و عضويت هئيت علمي دانشگاه دفاع عالي، bahram.bayat@gmail.com

۲ - دکتري علوم اجتماعي، مدرس دانشگاه کاشان، نويسنده مسئول t.ashayeri@gmail.com

۳ کارشناسي علوم اجتماعي-پژوهشگري، دانشگاه کاشان، namianfatemeh@gmail.com

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی است، در این جهت مورداستفاده قرار گرفته است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۱). وقوع انقلاب اسلامی، با دخالت آمریکا و رخداد جنگ تحمیلی همراه شد. انقلابی که خواهان توسعه مستقل و درون‌زا بود. وقایع انقلاب اسلامی و رفتارهای ضد توسعه‌ای آمریکا، سطح منازعه بین ایران و آمریکا را افزایش داد و این امر باعث اعمال تحریم‌های اقتصادی و سیاسی از سوی آمریکا شد و سرانجام بعد از چندین دهه کشمکش سیاسی، تحت نظارت سازمان ملل، معاهده برجام جهت حل این مخاصمه شکل گرفت. توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته‌شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام<sup>۴</sup> در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶). مذاکرات رسمی برای طرح جامع اقدام مشترک درباره برنامه اتمی ایران با پذیرفتن توافق موقت ژنو بر روی برنامه هسته‌ای ایران در نوامبر ۲۰۱۳ شروع شد. به مدت ۲۰ ماه کشورها درگیر مذاکره بودند که در آوریل ۲۰۱۵ تفاهم هسته‌ای لوزان شکل گرفت. در نتیجه این توافقنامه که تأییدیه پایدار متعهدین آن را به همراه دارد، ایران از تحریم‌های علیه ایران شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده (تحریم‌های ثانویه) بیرون خواهد آمد<sup>۵</sup>. این برجام یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تاریخی بین کشورهای فوق در راستای تأمین صلح و تعامل پایدار تلقی می‌شود. هم‌زمان با آغاز دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده، به‌عنوان یکی از طرفین معاهده، اقدام به نقض این عهدنامه جهانی کرد. آنچه این پژوهش قصد بررسی دارد، این است که چه ارتباطی بین برجام و توسعه ایران وجود دارد؟ آیا تحول و توسعه جامعه بعد از انقلاب منوط به ماندن طرفین در برجام بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش نیاز است ضمن کنکاش درباره مفهوم توسعه، به رویدادهای تاریخی درباره توسعه وابسته و مستقل و پیامدهای نگاه به بیرون برای توسعه اقتصادی و غفلت از دستاوردهای داخلی نگریسته شود. در ادبیات جامعه‌شناسی توسعه به معنای تحول مثبت، رشد، ترقی، نوسازی، قدم به جلو، عبور از دنیای نو به جهان مدرن است. توسعه، مفهومی بومی است که برگرفته از ادبیات، فرهنگ و ساختار سیاسی و اجتماعی آن ملت است. توسعه در مطالعات جامعه به دو بعد بیرونی و درونی دسته‌بندی شده است. گذر تاریخی حاکی از این است که کشورهای موفق در دنیای معاصر، دارای مدل‌های بومی توسعه بودند و اکثر جوامع وابسته اقتصادی، فاقد استقلال سیاسی، در تدوین مسیر تحول خود از الگوی بیرونی تقلید نموده‌اند. پیامدهای ناشی از شکست مدل‌های بیرونی توسعه، نشان داد که هیچ الگوی جهان‌شمولی برای توسعه وجود ندارد. الگوی توسعه نه تک‌گونه بلکه چندگونه هستند. هر کشوری ضمن توجه به شرایط بومی به مبانی علم اقتصاد و انباشتی از تجربیات در کشورهای گوناگون، باید به دنبال فراهم کردن زمینه‌های نظری و کاربردی از طریق مورد کاوی متعدد و پژوهش‌های موردی باشد تا بتواند به الگوی بومی دست یابد. الگوی توسعه ژاپنی از نوع ژاپنی است، نوع توسعه چینی به لحاظ نظری - فلسفی گونه دیگری است. در اصل حلقه گمشده توسعه ایران، امری فکری-فلسفی است (نیازی، عشایری و نامیان، ۱۳۹۷). در زمینه برجام اگر به‌مثابه تنها مسیر عبور از بحران‌های اقتصادی و پیوستن ایران به نظام جهانی، توسعه محسوب شود، می‌توان آن را مدلی شکست‌خورده حتی قبل از خروج ترامپ از این تعهدنامه قلمداد نمود. به لحاظ تاریخی، توسعه بدون ابعاد سیاسی آن نبوده است. سه مکتب بزرگ توسعه (نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)، گویای این وضعیت است که توسعه همراه با دغدغه‌های سیاسی در تاریخ اعمال می‌شده است. وقوع انقلاب اسلامی به‌عنوان رخدادی با صبغه فرهنگی و مردمی،

4. Joint Comprehensive Plan of Action

5. <https://fa.wikipedia.org/wiki>

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نوعی اقدام مهم در تاریخ در راستای رجعت به درون و ایجاد تحول از بافت بومی به توسعه است. انقلاب اسلامی نه تنها نظریات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام سلطه جهانی موجود را که نشئت گرفته از اندیشه‌های ماکیاوول، هابز و هانس مورگنتا است، مردود می‌داند، بلکه با این اعتقاد و نظریه حرکت کرد که "سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده، نمی‌رسد" (محمدی، ۱۳۸۸). اصطلاح نظم نوین جهانی به‌عنوان تئوری توطئه به پیدایش حکومتی تمامیت‌خواه برای سلطه بر تمام دنیا اطلاق می‌گردد (کمپ، ۱۹۹۷ و گولدرگ، ۲۰۰۱). نظریه پردازان توسعه و نوسازی بر این باورند که دموکراسی می‌تواند و باید در مستعمرات و کشورهای عقب‌مانده انتشار یابد و یقیناً نیز این‌گونه خواهد شد، از بسیاری از جهات جزء جدایی‌ناپذیر جریان اصلی نظریه‌پردازی اجتماعی و ایدئولوژی امپریالیستی غرب، به‌ویژه اروپا بود. این دیدگاه در گسترش نظریه نوسازی قرن نوزدهم و جایگزین‌های آن در قرن بیستم، به نحوی نمایان است. مهم‌ترین ادعای این نظریه‌ها این بود که ساختارها و فرایندهای جوامع انسانی از صورت‌های ساده سنت‌گرایی آغاز و به جلوه‌های پیچیده نوگرایی ختم می‌شوند. از نظر سیاسی، بر طبق نظریه عمومی نوسازی، این فرایندها ناظر بر انتقال از حکومت‌های غیر دموکراتیک به دموکراتیک یا دست‌کم گونه‌های مختلف حکومت استبدادی است که کنترل عمومی در آنها بیشتر است (هانتینگتون ۱۳۹۰: ۵۹). در تئوری‌های توطئه درون‌مایه معمول نظم نوین جهانی پایگاه سری قدرتی از نخبگان در نظر گرفته می‌شوند که لیست بلندبالایی از اقداماتی که باید در سطح جهان انجام دهند در دست دارند و در حال دسیسه‌چینی برای حاکمیت بر جهان از طریق یک حکومت جهانی اقتدارگرا و قدرت‌طلب هستند؛ حکومتی که جایگزین حاکمیت تمامی کشورهای مستقل جهان شود (برکن، ۲۰۰۳). نظم نوین جهانی اصطلاحی است که از آن برای توصیف متحد کردن ابرقدرت‌های جهان برای برقراری، حفظ صلح و امنیت جهانی و به بیانی روشن‌تر نظارت و حکمرانی بر کل جهان استفاده می‌شود. اصطلاحاتی نظیر دولت جهانی، نظم جدید، جهانی‌سازی، دهکده جهانی، نظم بین‌المللی و امثال آن همگی مترادف با نظم نوین جهانی هستند. در تئوری توطئه، اصطلاح نظم نوین جهانی (New World Order یا NWO) به پیدایش حکومتی تمامیت‌خواه برای سلطه بر تمام دنیا اطلاق می‌گردد. طرح‌ریزی رخدادهای مهمی در سیاست و اقتصاد جهان به گروه‌های تأثیرگذار کوچکی نسبت داده می‌شوند که از طریق سازمان‌های صوری متعددی انجام می‌گیرند. تلاش برای تسلط بر جهان از جانب گروه‌های سیاسی و سری کوچک طی حوادث تاریخی و کنونی متعدد، جزئی از نقشه دستیابی به سلطه جهانی در نظر گرفته شده‌اند.<sup>۶</sup> حوادث تاریخی نیز نشان می‌دهد که پیمان میان ایران و آمریکا همیشه در تاریخ قابل‌اعتماد نبوده است. خاطرات دولت و ملت ایران از آمریکا در طول نیم‌قرن اخیر، مشحون از رویدادهای تلخ تاریخی بوده است به‌گونه‌ای که؛ روابط میان دو کشور به یکی از داغ‌ترین مسائل سیاست خارجی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بدل شده است. روابط منفی و سلطه‌جویانه آمریکا در قبال ایران که با حمایت از رژیم استبدادی پهلوی خود را به‌گونه‌ای کریه‌تر نمایان ساخت، در پیدایش فرهنگ سیاسی بیگانه‌ستیزی و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آمریکا در بین آحاد ملت ایران بسیار مؤثر بوده است.<sup>۷</sup> مذاکرات بازرگان- برژینسکی، سال ۵۹ و قرارداد الجزایر؛ عهدشکنی جدید آمریکا، مذاکرات سعدآباد، مذاکره سفرای ایران و آمریکا در بغداد، مذاکره جلیلی و معاون وزیر خارجه آمریکا به لحاظ تاریخی حاکی از ناپایداری پیمان میان ایران و آمریکا و غرب بوده است.<sup>۸</sup> بر این اساس

6. <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/126636>.

7. <https://www.farsnews.com/news>

8. <http://ana.ir/fa/news/45/287611>

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برجام به مثابه یک دستاورد تاریخی و جهانی با تفسیر و قرائت‌های متنوعی همراه است. این پژوهش بر آن است تا نقش برجام را به عنوان مانع یا عامل توسعه ایران در نظام جهانی واکاوی نماید. بر این اساس هدف و پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

### ۱-۱. هدف اصلی

- بررسی نقش برجام در توسعه ایران
- بررسی برجام به مثابه توسعه بومی یا توسعه بیرونی
- بررسی جایگاه ایران در برخورد با نظام جهانی بعد از برجام در زمینه توسعه

### ۱-۲. پرسش اصلی

- آیا برجام در توسعه ایران و عبور از بحران‌های داخلی (اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) مؤثر بوده است؟
- آیا برجام در عالم واقعیت به منازعه سیاسی و اجتماعی منجر می‌شود؟
- آیا برجام می‌تواند مدل توسعه ایران (الگوی بومی توسعه)، قلمداد شود؟

### ۲. دیدگاه‌های نظری پژوهش

#### ۲-۱. برجام

توافق جامع و نهایی هسته‌ای وین با عنوان شناخته‌شده و رسمی برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام (به انگلیسی: Joint Comprehensive Plan of Action) در راستای توافق جامع بر سر برنامه هسته‌ای ایران و به دنبال تفاهم هسته‌ای لوزان، در سه‌شنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۱+۵ (شامل چین، فرانسه، روسیه، پادشاهی متحد بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و آلمان) منعقد شد. بر اساس این توافق، ایران ذخایر اورانیوم غنی‌شده متوسط خودش را پاک‌سازی خواهد کرد و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد قطع می‌کند، تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و حداقل به مدت ۱۵ سال کاهش می‌دهد. ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از ۳،۶۷ درصد غنی‌سازی نکند یا تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب‌سنگین جدیدی را نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به مدت ۱۰ سال به یک تک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند محدود خواهد بود. دیگر تأسیسات نیز طبق پروتکل الحاقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای اجتناب از خطرهای تکثیر سلاح‌های اتمی تبدیل خواهند شد. برای نظارت و تأیید اجرای توافق‌نامه توسط ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) به تمام تأسیسات اتمی ایران دسترسی منظم خواهد داشت. در نتیجه این توافق‌نامه که تأییدیه پایدار متعهدین آن را به همراه دارد، ایران از تحریم‌های علیه ایران شورای امنیت ملل متحد، اتحادیه اروپا و ایالات متحده (تحریم‌های ثانویه) بیرون خواهد آمد.<sup>۹</sup> از زمان مذاکرات و توافق جمهوری اسلامی ایران با ۱+۵ بر سر برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، ابعاد مختلف این توافق بر اساس دیدگاه‌های متعدد و حتی بعضاً متضاد مقامات رسمی و صاحب‌نظران بین‌المللی و در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تجزیه و تحلیل و مورد قضاوت قرار گرفته است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۴۸۸).

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

### ۲-۲. سند تاریخی بی عهدهی غرب

جمهوری اسلامی ایران از بدو شکل‌گیری مورد تحریم آمریکا و متحدان این کشور قرار داشته، اما از سال ۱۳۸۴ به بهانه غنی‌سازی اورانیوم این تحریم‌ها وارد دور تازه‌ای شد. اظهارهای مکرر مقامات آمریکایی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که به‌زعم آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران چالشی جدی برای منافع و امنیت آمریکا و اسرائیل و حتی ثبات خاورمیانه است (منظور و مصطفی پور، ۱۳۹۲: ۱۱). به دنبال این امر تحریم‌ها نسبت به قبل شدت بیشتری به خود گرفت. سرانجام این منازعه سیاسی منجر به ایجاد یک توافق جهانی موسوم به "برجام" شد. با این حال پیشی بینی اکثر سیاستمداران و رهبر انقلاب از همان آغاز شروع مذاکرات، بدعهدهی آمریکا و نقض این پیمان از سوی دولت‌های آمریکایی بود که بعد از سرگذشت ۱ سال از تصویب برجام این پیش‌بینی به واقعیت پیوست. آمریکا به‌عنوان نظام سیاسی در جهان، سابقه درخشانی از پایبندی به تعهدهای بین‌المللی نداشته و نمونه‌های تاریخی در ادامه به این امر صحنه می‌گذارد.

۱- بدعهدهی آمریکا به انگلیس در جنگ جهانی دوم

۲- پیمان شکنی آمریکا در بحران سوئز

۳- تهاجم به یکی از مستعمره‌های انگلیس

۴- فریب انگلیس توسط آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد

۵- خیانت آمریکا به روسیه

۶- رویارویی آمریکا با انقلاب بلشویکی در شوروی

۷- فعالیت جاسوسی آمریکا در شوروی

۸- وقوع انقلاب‌های رنگین در جمهوری‌های شوروی با حمایت آمریکا

۹- طرح آمریکا برای استقرار موشک در لهستان

۱۰- بدعهدهی آمریکا به چین

۱۱- حمایت آمریکا از ژاپن در مقابل چین

۱۲- تجاوز نظامی آمریکا به چین

۱۳- دخالت آمریکا در جنگ داخلی چین

۱۴- فعالیت جاسوسی آمریکا در چین

۱۵- خیانت‌های آمریکا به فرانسه

۱۶- فعالیت‌های جاسوسی آمریکا علیه فرانسه

۱۷- کارشکنی در اقتصاد فرانسه

۱۸- حمایت آمریکا از کودتا علیه دولت فرانسه

۱۹- مشارکت آمریکا در طرح قتل رئیس‌جمهور فرانسه<sup>۱۰</sup>

۲۰- نقض تمامیت ارضی ایران و تجاوز به طبرس

۲۱- غارت نفت ایران با قرارداد کنسرسیوم

### ۳-۲. سیاست هژمونیک غربی به جوامع در حال توسعه

مطالعات پسا استعماری توسعه یکی از حوزه‌های علوم انسانی است که به فرهنگ جوامع غیر غربی پرداخته و با نگرشی واسازانه سعی در شالوده شکنی مسیر توسعه از نگاه غربی نسبت به این جوامع دارد. از بعد نظری و علمی رهیافت "فوکویی" به قدرت، رهیافت "دریادی"<sup>۱۱</sup> به تفاوت، تأکید بر بی مرکزی و رویکرد، فقدان سلسله‌مراتب و ناهمگونی به‌عنوان شیوه‌هایی از نگاه به تاریخ، فرهنگ، سنت، دانش و گفتمان غیراروپایی به شمار می‌آید (اوهلنن و وشبرک<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۲: ۱۵۶). این اصطلاح هم به معنای بازاندیشی در مفهوم استعماری بودن توسعه غرب و پیامدهای آن و هم نگرشی فرهنگی و ارزشی به مسئله توسعه دارد. اندیشمندانی دیگری نظیر "ادوارد سعید"<sup>۱۳</sup>، "لوئیس پرات"<sup>۱۴</sup>، "وایتهد"<sup>۱۵</sup>، "هولم"<sup>۱۶</sup>، "یوهان فابین"<sup>۱۷</sup> و "ضیاءالدین سردار"<sup>۱۸</sup> به بررسی الگوی گفتمان شرق‌شناسی در قالب رویکرد پساتوسعه‌ای پرداخته‌اند. مهم‌ترین متفکر حوزه نقد توسعه غربی، "ادوارد سعید" همراه با "هومی بابا"<sup>۱۹</sup> و "گایاتری اسپیواک"<sup>۲۰</sup> می‌باشند. این سه متفکر از صاحب‌نظران منتقد تئوری توسعه از منظر غرب هستند. نوسازی به‌زعم آیزنشتاد فرایند حرکت به سوی گونه‌هایی از سیستم‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که از قرن هفدهم تا نوزدهم در اروپای غربی و امریکای شمالی ایجاد شده و از آنجا به سایر کشورهای اروپایی و در قرن نوزدهم و بیستم به امریکای جنوبی، آسیا و آفریقا راه یافته است. تقابل غرب و شرق در مسیر توسعه و الگوبرداری شرق از آن در عبارت "هال" بیان شده است: غرب جایی خوب، توسعه یافته، خوشایند و یا غیر غربی به توسعه نیافته، بد و ناخوشایند اطلاق می‌شود (هال، ۱۳۸۶: ۳۶). رویکرد پساتوسعه در انتقاد به توسعه و رویکردهای توسعه غربی رشد یافته است. این رویکردها به سبب اینکه نسخه‌ای برای توسعه کشورهای در حال توسعه یا غیر غربی پیچیده بودند، غافل از اینکه فرهنگ، اقتصاد، سبک زندگی و رفتار مذهبی متفاوتی از آن‌ها دارند؛ بنابراین، الگوی پساتوسعه با انتقاد جدی به فرهنگ توسعه غربی، به مسائل بومی، دانش، فرهنگ، جنی است و اقوام کشورهای غیر غربی تأکید دارد و توسعه محلی را در خروج از بحران‌های اجتماعی نظیر فقر فرهنگی و اجتماعی، رفع نیازهای مادی و توسعه انسانی مناسب می‌داند (ساکس<sup>۲۱</sup>، ۱۹۹۲).

### ۴-۲. برج‌ام: مقابله با چپاولگری غرب

توسعه غربی ماهیتی سکولاریسمی دارد. اطراف در رابطه‌های میان نهادی نیز سکولار هستند. به عبارت دیگر نه دین به‌عنوان یکی از اطراف دیده می‌شود و نه سایر نهادها به دین به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار در برنامه‌های خود توجه می‌کنند (علاسوند، ۱۳۹۲). نظریه پردازان پسا توسعه اشاره می‌کنند که چگونه مفهوم توسعه در سلسله‌مراتب کشورهای

11. Michel Foucault  
12. Jacques Derrida  
13. O'Hanlon & Washbrook  
14. Edward Said  
15. Louis Pratt  
16. Whitehead  
17. Hulam  
18. yuhan fabian  
19. ziauddin sardar  
20. Homi Bhabha  
21. gayatri spivak  
22. Sachs

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

توسعه یافته و توسعه نیافته، باعث می شود که کشورهایی که عنوان پیشرفته تر دارند در یک سلسله مراتب فوقانی و تحتانی، نیاز کشورهای در حال توسعه را به سوی خود جلب می کنند تا کشورهای توسعه یافته به آنها کمک کنند. نظریه پردازان این مکتب تأکید می کنند که گفتمان توسعه اغلب قوم مدارانه، اروپا محور، جهان شمول و بر اساس مدل های غربی صنعتی است و با توجه به منابع محدود دنیا، بر این امر تأکید می کند که راه درست راه غرب است و استفاده از زمینه های محلی، فرهنگی و تاریخی مردم باعث می شود که تا آنها در جهل مفرط توسعه نیافتگی و بی ثباتی بمانند (ویلز، ۲۰۰۵: ۱۱۳). پسا توسعه گراها، با نقد مسیر خطی توسعه بر اساس گفتمان توسعه، خواستار تنوع بخشیدن به چشم اندازه و اولویت های فرهنگی هستند. به عنوان مثال، سیاست تعریف و رفع نیازها در اندیشه توسعه، ریشه ای عمیق در مفهوم نمایندگی یا وکالت دارد. اندیشه انتقادی پسا توسعه به عنوان یک گفتمان، نظریه توسعه مدرنیستی را به عنوان یک تئوری آکادمیک با کار ویژه های پنهان سیاسی-اقتصادی نقد می کرد. در واقع مفهوم و تعریف مکتب پسا توسعه بر اساس انتقادات و ضدیت آن با گفتمان توسعه مدرنیستی شکل می گیرد و انتقاد و ضدیت با توسعه مدرنیستی دال مرکزی اندیشمندان مکتب پساتوسعه است (ساکس<sup>۲۳</sup>، ۱۹۹۲: ۲۳). توسعه مردمی یکی از محورهای اساسی اخیر در مباحث توسعه و گفتمان پساتوسعه بوده است. این رویکرد با محور قرار دادن مردم و سازمان های غیردولتی، توسعه را از پایین به بالا و از درون جامعه به پیش می برد. همان طور که در بخش قبلی هم بیان شد، محلی گرایی، سازمان های غیردولتی و مردم محلی از جمله مهم ترین متغیرهای توسعه مردمی هستند. تأکید بر استقلال در توانای تصمیم گیری جوامع محلی، دموکراسی مستقیم و خودکفایی اقتصادی در عین وابستگی اقتصادی از موارد مورد تأکید توسعه مردمی است (احمدی و بیداله خانی، ۱۳۸۶: ۵۲). نفوذ غرب در جهان، گفتمان توسعه با روابط نابرابر قدرت بین غرب و بقیه جهان، دانش غربی توسعه و سیر خطی پیشرفت روبه جلو با هدایت غرب برای بقیه جهان از مفروضات رویکرد مدرنیستی توسعه بوده است. تحت تأثیر ایوان ایلچ و دیگر منتقدان استعمارگرایی و پسا استعمارگرایی، تعدادی از نظریه پردازان توسعه مانند آرتور اسکوبار و گوستاو استوا معنای مدرن توسعه را به چالش کشیدند. آنها تأکید می کردند، که توسعه در گفتمان استعماری قبلی شمال را به عنوان پیشرفته، متری و کشورهای جنوب را به عنوان عقب مانده، بدوی و به سمت انحطاط نشان می دهد (اسکوبار، ۱۹۹۵: ۹۱).

### ۵-۲. برجام: نظم نوین جهانی

واژه جهانی (Global) از چهارصد سال پیش و اصطلاحاتی همچون جهانی شدن (Globalization)، جهانی سازی (Globalizing) و جهان گرایی (Globalism) از دهه ۱۹۶۰ در متون علمی و ادبی به کار گرفته شد (نهلوندیان، ۱۳۸۷: ۱۸). نظم نوین جهانی در پی کنترل و تصرف تمامی قدرت و منابع جهان است که نفت مهم ترین نیاز غرب برای اداره جهان است (کینز، ۲۰۰۸). نظم نوین جهانی به پروپاگاندايي که در راستای القای برقراری حکومت جهانی به عنوان نقطه عطف پیشرفت تاریخ و حد اعلای آن انجام می گیرد نیز اطلاق می شود. طرح ریزی رخدادهای مهمی در سیاست و اقتصاد جهان به گروه های تأثیرگذار کوچکی نسبت داده می شوند که از طریق سازمان های صوری متعددی انجام می گیرند. تلاش برای تسلط بر جهان از جانب گروه های سیاسی و سری کوچک طی حوادث تاریخی و کنونی متعدد، جزئی از نقشه دستیابی به سلطه جهانی در نظر گرفته شده اند (فنستر، ۲۰۰۸). جهانی سازی نظامی است که قدرتمندان را با ادعای

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

روابط آزاد و آزادی بازار، قادر می‌سازد تا اصنافی از دیکتاتوری‌های ضد انسانی را به مستضعفان تحمیل نمایند (نش، ۱۳۸۰: ۱۷). پائول جیمز، جهانی‌سازی را به‌عنوان فرایندی می‌داند با نوعی ایدئولوژی و تاریخ متفاوت به‌قصد سلطه بر دیگر جوامع را دارد، تعریف نموده است که قبل از همه در دهه ۱۹۴۰ در ایالات‌متحده شکل گرفت. بخصوص زمانی که از قدرت اقتصادی و نظامی در جهان برتر بود، به طراحی جهانی‌سازی از طریق فشار نظامی و قدرت اقتصادی اقدام نمود (لفلر، ۲۰۱۰). پایان جنگ سرد و ظهور ایالات‌متحده به‌عنوان تنها قدرت جهان از نشانه‌های پایان تاریخ نبود، بلکه وقایع رخ‌داده در جهان آغاز مرحله‌ای جدیدی از تاریخ را نشان دادند (مکی و میلر، ۱۹۹۲: ۳۱۱). یکی از اهداف اصلی غرب کنترل و در اختیار گرفتن جریان انرژی در جهان است (پاتریک، ۲۰۱۰). مهم‌ترین ویژگی جهان در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، جنگ سرد و مبارزه ایدئولوژیک میان دو قطب شرق و غرب است؛ ایالات‌متحده آمریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ م) به‌عنوان تنها برنده واقعی و بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و نظامی، از ضعف اروپا استفاده کرد و وارد صحنه بین‌المللی شد و ژست حافظ و نگهبان جهان سرمایه‌داری را به خود گرفت (بوچنن، ۱۹۹۹: ۲۳). در اوایل دهه ۱۹۹۰، بروز بحران خلیج‌فارس و توسعه‌طلبی جورج بوش پدر و تأیید خط‌مشی سردمداران آمریکا از طرف شوروی، خبر از ظهور یک «نظم نوین جهانی» را داد. شوروی در ماجرای خلیج‌فارس نقش یک واسطه را بازی می‌کرد که فقط میانجیگری می‌کرد. جورج بوش در سخنرانی خود خطاب به کنگره آمریکا گفت: جنگ خلیج‌فارس، نخستین آزمون برای پدیدار شدن یک نظم نوین بود، جهانی که در آن یک نظام جدید حاکم است. نظم نوین جهانی یا فرایندی که از سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ میلادی، توسط جورج بوش پدر وارد عرصه اصطلاحات سیاسی بین‌المللی شد، به معنی این است که با فروپاشی نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق و از بین رفتن رقابت قدرت‌ها، جهان از این‌پس صاحب نظام نوینی شود که با نظام گذشته تفاوت دارد و بر قدرت همه‌جانبه آمریکا و کشورها غربی استوار است. اگرچه تاکنون بررسی تئوریک در مورد این واژه انجام نگرفته و بی‌تردید ارائه تعریفی مبتنی بر عقل و واقعیت برای نظم نوین جهانی وجود ندارد (ولز، ۲۰۰۶). برخی از تحلیلگران اصطلاح «نظم نوین جهانی» و عباراتی نظیر آن را چیزی جز کلماتی فریبنده و دل‌نشین برای انحراف افکار عمومی جهان نمی‌دانند. نظم نوین جهانی، امنیت دسته‌جمعی، وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر، متوقف ساختن اقدامات سلطه‌جویانه منطقه‌ای برای جلوگیری از فروافتادن آمریکا در سراسیمه‌سقوط است. گاه کلمات پرطمطراق راه را بر افکار ساده و روشن سد می‌کند. در اصل نظم نوین جهانی با استفاده از برنامه‌هایی چون تعدیل ساختاری، صندوق بین‌المللی پول و گات به توسعه سلطه خود و نظم نوین جهانی اقدام نموده است. بسیاری از متفکرین فکر می‌کنند که واژه جهانی‌شدن و جهانی یکسان است، در حالی این دو واژه در مقابل هم قرار می‌گیرند.

جهانی‌سازی به هدف در کل جهان، به دنبال اثرگذاری بر آن‌هاست و درحالی‌که جهانی‌شدن روند تغییرات در جوامع را بررسی می‌کند. امانوئل والرشتاین (۱۹۳۰) جهانی‌شدن هنگامی آغاز شد که نطفه تمدن جهانی در ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بسته شد که از مصر باستان و تمدن سومر آغاز می‌شود. نویسندگانی مانند اریک ولف و ویلکینسن به این دسته تعلق دارند (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۲۷). رونالد رابرتسون (۱۹۹۲) نیز جهانی‌شدن را هم‌زمان با آغاز دوره مدرنیته و ظهور سرمایه‌داری می‌داند که از ۱۴۰۰ میلادی (مقارن رنسانس) تا امروز، مراحل تاریخی متعددی را طی کرده است. آخرین مرحله آن از سال ۱۹۶۹ آغاز شده و به دلیل رشد سریع رسانه‌های گروهی، ارتباطات و مسائل زیست‌محیطی جهانی، بسیار سرعت گرفته است (بیات و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۵۱). نظریه نظم نوین جهانی از ابتدای خلقت آدم ابوالبشر تاکنون، از آغاز دنیا تا حال موضوع پایان آن مدنظر تمام جوامع، دولت‌ها و افراد بوده است. طبق اسناد تاریخی اولین



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

قومی که درصدد پیش گوئی و پیش بینی پایان حیات دنیا برآمدند قوم مایای باستان بودند که اعتقاد داشتند بر اساس تقویم نجومی و ارقام و اعداد مشهور خود دنیا در سال ۲۰۱۲ به پایان خواهد رسید. سرخپوستان قبی هم معتقد بودند که تاکنون جهان سه بار پایان پذیرفته که اکنون در عصر پایان دوره سوم و شروع فصل چهارم حیات انسان هستیم. در سه دوره گذشته دنیا همزمان با آتش فشان- عصر یخبندان و سیل به پایان رسید. اساطیر هندی نیز همچنین اعتقاد به چرخه حیات و افول و احیاء دوران دارند اما ملموس ترین پیش بینی پایان دوران مربوط به نستراداموس نقاش و هنرمند قرن ۱۶ هست که بر اساس نقاشی های موجود وی اعتقاد به پایان زمان در تاریخ ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲ داشته که در آن پیش گوئی می گوید که ستاره های دنباله دار و سنگ های آسمانی که دارای جرقه و آتش هستند به زمین برخورد می کنند. اندیشمندان و متفکران دیگری چون هگل، داروین، نیوتن، مارکس و... نیز به مبحث پایان تاریخ پرداخته اند. هگل معتقد بود تاریخ خط مستقیمی دارد که با سپری کردن چند ایستگاه، با دولت پروس به پایان می رسد، به طوری که فوکویاما مفهوم تاریخ را از هگل وام گرفته است. اسحاق نیوتن با اعداد و ارقام پایان تاریخ را در سال ۲۰۶۰ میلادی جستجو می کرد. مارکس معتقد به تقسیم دوران به برهه های مختلفی از کمون ها تا پایان دوران که به کمونیسم ختم می شود و آمال و آرزو مارکسیست ها است و سعادت بشری را در کمونیست پیش بینی نمود. اقتصاد و بازار، ابزار اصلی جهانی شدن تلقی می شوند و از همین رو با سرمایه داری و لیبرالیسم اقتصادی پیوندی تنگاتنگ دارند. بر همین اساس، جهانی سازی بر کشورهای جهان سوم و در حال توسعه نیز تأثیرات خود را دارد که عبارت از:

عمیق تر شدن شکاف در توزیع ثروت میان آحاد جامعه؛

زیاد شدن فاصله بین کشورهای فقیر و غنی؛

نابسامانی وضع معیشت و کاهش میزان خدمات اجتماعی حکومت های جهان سوم؛

باز گذاردن سازوکار بازار آزاد و دوری گزیدن حکومت از مداخله در فعالیت های اقتصادی و رفاهی؛

تحمیل الگوی اقتصادی کشورهای بزرگ به کشورهای در حال توسعه؛

دلاری شدن قیمت داخلی؛

تحمیل فرهنگ و دموکراسی غربی به دیگر کشورها و به چالش کشیدن ایدئولوژی و فرهنگ کشورهای جنوب؛

تأثیرگذاری بر مسئله امنیت و ایجاد ناسازه ای بین نابرابری و امنیت؛

شدت گرفتن روند عرفی سازی؛

به چالش کشیدن حکومت های اقتدارگرا در جهان سوم با تبلیغ یا تحمیل دموکراسی و حقوق بشر (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

### ۲-۶. برجام: برخوردن تمدن ها (تقابل آمریکا و اروپا با ایران)

برخورد تمدن ها عنوان نظریه ای است که توسط ساموئل هانتینگتون در سال ۱۹۹۳ مطرح گردید و در مقابل نظریه پایان تاریخ قرار دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۷۰) و در آن از هشت تمدن نام می برد و خطر جدی برای تمدن غرب، ابتدا تمدن اسلام سپس تمدن کنفوسیوسی خوانده شده و معتقد است که باید از همگرایی دو تمدن اخیر جلوگیری کرد. می توان گفت که این نظریه یک نظریه هشداردهنده برای غرب است (هانتینگتون، ۱۳۷۰). هانتینگتون در تعریف خود از تمدن بیشتر بر بعد فرهنگی آن تأکید داشته و بعد معنوی آن را برجسته می سازد (قنبری، ۱۳۸۸: ۲). ارکان این نظریه بر

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

سه محور ۱- پایان نبرد ایدئولوژیک؛ ۲- تضعیف ناسیونالیسم؛ ۳- احیای جدید ملت‌گرایی در قالب تمدن و ۴- ضرورت برخورد تمدن‌ها به دلیل نبود سیطره بلامنازع یک تمدن استوار است. وی با تأثیر پذیرفتن از برنارد لوئیس که برخورد دولت‌ها را نوعی برخورد تمدنی می‌داند، بر این باور است که خصومت هزار و چهارساله اسلام و غرب رو به افزایش و آستان حوادثی خونین است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۷۳). وی معتقد است پس از پایان جنگ سرد باید کشورها را به جای نظام سیاسی و اقتصادی‌شان از طریق فرهنگ و تمدنشان تقسیم‌بندی نمود و پیش‌قراول وی در این تقسیم‌بندی نوین بی‌بوده که تمدن‌ها را بر اساس گرایش‌های دینی و فرهنگی منقسم می‌نمود. هانتینگتون یکی از متفکرینی است که نظم نوین الگوی اسلامی را به‌عنوان تقابلی در برابر هژمونی غرب می‌داند و با طرح تئوری جهانی برخورد تمدن‌ها به جهان غرب هشدار می‌دهد که تمدن اسلامی در فرایند الگوی اسلامی ایرانی چالش‌بزرگی برای نظم مستقر غرب و تهدیدی علیه منافع اقتصادی و اجتماعی آن است. به‌زعم وی در آینده هفت تمدن بزرگ مثل تمدن اسلامی، تمدن غربی، کنفوسیوسی، ژاپنی، اسلاوی، آفریقایی، آمریکای لاتین خواهد بود و بین تمدن اسلامی و غربی هیچ‌گونه قرباتی وجود ندارد و کاهش تقابل نظامی غرب و اسلام که قرن ادامه داشته است بعید به نظر می‌رسد. حتی این تقابل در آینده تلخ‌تر می‌شود. از طرف دیگر هر گشایشی که در نظام سیاسی جهان عرب به وجود آمد به سود جنبش‌های اسلامی تمام‌شده است. به نظر او کانون درگیری در آینده بسیار نزدیک بین غرب و کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی خواهد بود، زیرا این تمدن علیه غرب باهم متحد خواهند شد. وی برای تأیید نظریه خود از رغبت و گرایش کشورهای خاورمیانه به چین و هند و خرید اسلحه از آن کشور سخن می‌گوید و اینکه ایران با هند و چین متحد است. وی می‌گوید مرزهای اسلام خونین است. برای مقابله با تهدیدات اسلام علیه غرب چندین راهکار می‌دهد:

۱- غرب در درون تمدن خود همکاری و یگانگی را بیشتر نموده و سایر تمدن‌ها را به خود جلب کند.

۲- از گسترش جنگ تمدن‌جنگ جلوگیری کند.

۳- دامنه قدرت نظامی کشورهای کنفوسیوسی - اسلامی را محدود کند.

۴- از اختلافات و درگیری‌های موجود بین کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی بهره‌گیری کند.

۵- در درازمدت تمدن غرب باید عناصر مشترک بین تمدن غرب و سایر تمدن‌ها را بشناسد (رسولی بیرامی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). هانتینگتون بی‌آنکه همچون برخی تحلیل‌گران، پایان جنگ سرد را پایان مناقشات ایدئولوژیک تلقی کند، آن را سرآغاز دوران جدید «برخورد تمدن‌ها» می‌انگارد. بر اساس این نظریه، هانتینگتون بسیاری از حوادث و رخداد‌های جاری جهان را به‌گونه‌ای تعبیر و تفسیر می‌کند که در جهت تحکیم انگاره‌ها و فرضیات نظریه جدیدش باشد. وی تمدن‌های زنده جهان را به هفت یا هشت تمدن بزرگ تقسیم می‌کند و خطوط گسل میان این تمدن‌ها را منشأ درگیری‌های آینده و جایگزین واحد کهن دولت - ملت می‌بیند. به اعتقاد هانتینگتون، تقابل تمدن‌ها، سیاست غالب جهانی و آخرین مرحله تکامل درگیری‌های عصر خود را شکل می‌دهد. بر این اساس، پارادایم برخورد تمدنی، دیگر مسائل جهانی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد، به‌گونه‌ای که در عصر نو صف‌آرایی‌های تازه‌ای بر محور تمدن‌ها شکل می‌گیرد و سرانجام نیز تمدن‌های اسلامی و کنفوسیوسی در کنار هم در مقابل تمدن غرب قرار می‌گیرند! خلاصه اینکه کانون اصلی درگیری‌ها در آینده، میان تمدن غرب و اتحاد جوامع کنفوسیوسی شرق آسیا و جهان اسلام خواهد بود و در واقع درگیری‌های تمدنی، آخرین مرحله تکامل درگیری در جهان نو است. وی درنهایت شش دلیل برای برخورد تمدن‌ها برشمرد:

۱- وجود اختلاف میان تمدن‌ها نه تنها واقعی بلکه اساسی است؛

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- ۲- با گسترش ارتباطات جمعی، گویا جهان در حال کوچک شدن است (دهکده جهانی) و درون هر تمدن، امکان اشتراک را افزایش می‌دهد.
- ۳- روندهای نوسازی اقتصادی و تحول اجتماعی در سراسر جهان انسان‌ها را از هویت دیرینه و بومی‌شان جدا می‌سازد؛
- ۴- نقش دوگانه غرب، رشد آگاهی تمدنی را فزونی می‌بخشد؛
- ۵- کمتر می‌توان بر ویژگی‌ها و اختلاف‌های فرهنگی سرپوش گذاشت؛
- ۶- منطقه‌گرایی اقتصادی در حال رشد است و از این طریق، خودآگاهی تمدنی تقویت می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

### ۷-۲. برجام: اسلام هراسی و نظام آینده جهانی

روند روزافزون اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی در غرب، فضای بی‌اعتمادی میان جهان اسلام و غرب را تشدید نموده و حیات جوامع مسلمان ساکن غرب را دشوار ساخته است. جوامع اروپایی، تاریخ طولانی تعامل با اسلام و تأثیرپذیری را از تمدن و بازسازی کشورهای خود را مدیون کارگزاران مسلمان هستند. اسلام هراسی را داشتن حس تنفر یا خصومت در قبال مسلمانان و اسلام می‌دانند. برخی با تأکید بر اسلام هراسی به‌عنوان پدیده‌ای معاصر، تأکید می‌کنند که اسلام هراسی از سال‌های آخر قرن بیستم و در کشورهای اروپایی بروز یافته است. در مقابل برخی مثل ضیاءالدین سردار بیان می‌کنند که جلوه‌های معاصر اسلام هراسی بیش از ضدیت تاریخی با اسلام و مسلمانان نیست. از نظر او، اسلام هراسی و پیش‌داوری علیه مسلمانان سابقه تاریخی طولانی دارد و در وجدان تاریخی غرب جای گرفته است. آرمسترانگ هم تأکید دارد که از دوران جنگ‌های صلیبی یک تصویر به‌شدت مخدوش از اسلام و اسلام هراسی رواج پیدا کرد. ریشه‌های تاریخی ضدیت با اسلام و اسلام هراسی به نخستین سال‌های تعامل اسلام و دینای مسیحی بازمی‌گردد. مهم‌ترین برخورد و تقابل دنیای اسلام با اروپا در قرون ۱۲ و ۱۳ را جنگ صلیبی می‌نامند که طی آن مسلمانان و مسیحیان بارها بر سر بیت‌المقدس با یکدیگر جنگیدند. رویارویی‌های تاریخی بین مسلمانان و مسیحیان، ریشه سوءتفاهم‌ها و خصومت‌هایی است که در طی قرون تداوم یافته است. ستیز اولیه دو تمدن از قرون وسطی، میراث رویارویی، بی‌اعتمادی و سوءتفاهم را تا به امروز داشته است (شیر غلامی، ۱۳۹۰: ۹۹۴). متفکران جهانی‌سازی را اساساً پدیده‌ای غربی می‌دانند (صداقت ثمر حسینی و همکاران، ۱۳۹۲). تاریخ توسعه با خود عجایب و درس‌های عبرت‌آمیز دارد. بعد از جنگ جهانی دوم سه دسته کشورهای پیروز در جنگ و کشورهای آسیب‌دیده و همچنین ملت‌های جهان سوم تازه استقلال یافته، هر یک به‌نوعی خواستار ترویج مفهوم و ادبیات توسعه شدند. در این زمان از سوی نظریه‌پردازان راهبردهای متفاوتی مطرح شد و برنامه‌های بسیاری با هزینه بسیار اجرا شد اما در بلندمدت، وضع بسیاری از کشورها تفاوت محسوسی پیدا نکرد. در این فرآیند سه عامل نقش محوری داشتند:

- ۱- تقسیم سیاسی و ایدئولوژیک جهان به دو بلوک شرق و غرب؛
- ۲- سکوت و بهت کشورهای استعماری در برابر استقلال مستعمرات خود؛
- ۳- فقر و نابسامانی سیاسی و اقتصادی و معضل انتخاب مسیر رشد در ملل تازه استقلال یافته.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در این شرایط، راهبردهای مطرح شده برای توسعه، به سرعت بکار گرفته می‌شد و کشورهای در حال توسعه به آزمایشگاهی برای اجرای این راهبردها تبدیل شده بودند (عنبری، ۱۳۹۳: ۸۲). از نتایج این توسعه، سلطه جهان اولی‌ها و اضمحلال فرهنگی کشورهای در حال توسعه بود.

در نتیجه از پیامدهای جهانی‌سازی غرب می‌توان به فرسایش حاکمیت دولت‌های ملی؛ کاهش ارزش کالا و نیروی انسانی؛ گسترش فقر جهانی؛ تحمیل دموکراسی غربی؛ بحران محیط‌زیست و فرهنگ مصرف و رفاه مادی در جامعه اشاره نمود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

با اوج گیری انقلاب اسلامی در سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۷۹ و طرح شعار نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی، این نهضت، شیوه و راهبرد مستقل خود را در عین معاوضه با نظام زورمندانه ادامه دارد و در حالی که پیروزی رسید که هیچ دولتی از دولت‌های جهانی از موفقیت این انقلاب حمایت نکردند و بلکه در جهت ناکامی آن دست به برنامه‌های ظالمانه و جنگ هشت‌ساله تحمیلی زدند (منوچهری، ۱۳۸۷: ۴۹). مقام معظم رهبری نظم نوین جهانی را این‌گونه تعریف می‌کند: این نظام نوینی که آمریکایی‌ها می‌گویند این است، کاری کنند که همه دنیا آن‌طور که آن‌ها می‌خواهند، فکر کنند و حقایق را وارونه بفهمند. نظم نوینی که آمریکا در پی استقرار آن است، متضمن تحقیر ملت‌ها و به معنای امپراتوری بزرگی است که در رأس آن آمریکا و پس از آن قدرت‌های غربی است. بازگشت به جامعه جهانی که آمریکا منادی آن است به معنای پذیرش سلطه فرهنگ غرب است. نتیجه تمام درگیری شرق و غرب چه باید باشد؟ باید قدرت مطلقه و روزافزون آمریکا بر ملت‌های ضعیف باشد؟ معنای نظم نوین جهانی این است. الگوی اسلامی ایرانی، برای رسیدن به استقلال و صدور ارزش‌های اسلامی به جهان مدرن، متکی به دین، هنجارهای اسلامی و ارتقای توسعه انسانی از بعد اخلاقی است. از این نظر به‌عنوان چالشی در برابر جهان غرب محسوب می‌شود. وقوع انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان تهدیدی برای جهان غرب باعث بروز تئوری‌های توطئه و تفرقه‌افکنی از طرف جوامع غربی شده است. از طرفی نام‌گذاری سال‌های بعد از انقلاب به‌عنوان فرایندی برای مقابله با سلطه نظم نوین جهانی غرب، مطرح شده است. واژه اسلام به این معنی است که مبانی نظری، فلسفی و انسان‌شناختی اسلامی بر این الگو تأثیرگذار است و آموزه‌های اسلام، یکی از ارکان اصلی آن محسوب می‌شود. این الگو از نظم نوینی دفاع می‌کند آغازگر آن اسلام محمدی (ص) و پایان آن با ظهور حضرت مهدی (عج) تکوین یافته است. نظم جهانی این الگو سلطه نیست، استعمار و استثمار نیست، بلکه رساندن نظم و جریان‌ی از فضای اجتماعی نوین بر جهان سلطه و مصرف‌زده بر مبنای زیست سالم، محیط پایدار، عدالت منش، روابط بدون تحریف، جامعه جهانی بدون قربانی خشم و جنایات سرمایه‌داری، جهان دموکراتیک، تعریف مجدد از انسان و انسانیت، تغییر نظم جهانی‌سازی، ارج‌گذاری بر قومیت‌ها و اقلیت‌ها می‌باشد. بر این اساس این الگو به‌زعم اعترافات فوکویاما و هانتینگتون جنجالی برای بقای نظم غرب محسوب می‌شود به این خاطر در تئوری‌های خود غرب را برای تشکیل راهبرد استراتژیک علیه اسلام و جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان نقطه وحدت جهان اسلام گوشزد می‌کند. بدین ترتیب، الگوی اسلامی ایرانی به‌عنوان مدل نظم نوین جهانی در مقابل نظم غربی صورت گرفته است. در یک نگاه، این الگو با جهان غرب را می‌توان بدین شرح ترسیم نمود که در رویکرد توسعه غربی، نگاه تولیدی و ابزاری به جامعه داشته و منطق کمیابی، تأکید بر ارزش‌های مادی و فردی، الگویی برون‌زا، غربی، تحولی از بالا به پایین و نگرش اقتصادی به انسان به‌عنوان اصول اساسی آن در نظر گرفته شده است که به‌عنوان الگویی پساتوسعه‌ای مطرح می‌شود. در رویکرد پساتوسعه، نگاه فرهنگی و انسانی به توسعه، توسعه انسان، منطق فرا کمیابی، تأکید بر ارزش‌های فرا مادی و جمعی، الگوی غیر غربی، درون‌زا،

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تأکید بر عقلانیت فرهنگی و مدنی، توجه بر مشارکت زنان، جوانان، افراد بومی، نگاهی از پایین به بالا، منبع تغییرات افراد عادی و بومی و نگاه به توسعه امری فرهنگی و ارزشی بوده است. هدف غایی نظم نوین غرب خاورمیانه است؛ چراکه اسلام و منابع عظیم نفتی در آنجا تمرکز یافته است. غرب برای بقا به نفت نیاز دارد و از طرفی اسلام ضد ظلم و ضد استعمار است و همین امر بیم رهبران نظم نوین جهانی را در پی دارد و آن را رقیب نیرومندی در عرصه جهان می‌بیند. به دلیل اینکه اسلام و الگوی اسلامی بانظم نوین جهانی و استکبار در تضاد کامل است، غرب در تلاش برای ریشه‌کن کردن اسلام و مسلمانان برای پیشبرد اهداف خود و استقرار جهانی نظم سیاسی اقتصادی خود است. اکنون این ایران است که به کانون اصلی توجهات تبدیل شده است؛ چراکه نظم نوین جهانی در مرحله پایانی خود است و تنها ایران است که در برابر آن مقاومت می‌کند. افزایش روزافزون قدرت ایران در منطقه، بیداری اسلامی اعراب، افزایش نفوذ و جایگاه جهانی و بن‌بست‌هایی که انقلاب اسلامی برای غرب و صهیونیسم در خاورمیانه کنونی به همراه داشته، توطئه غرب برای تشکیل حکومت جهانی و جهانی‌سازی را به چالش کشیده است. تلاش‌ها و تشدید فشارهای غرب مبنی بر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا علیه ایران در راستای پذیرفتن نظم نوین جهانی از سوی ایران است و از سویی ایران با طرح الگوی اسلامی مانعی در برابر نظم چپاولی آن‌ها محسوب می‌شود. برخورد تمدن‌ها آخرین مرحله از برخوردهای جهان نوین است. جنگ سرد جنگ داخلی غرب یعنی کمونیسم و لیبرال دموکراسی بود بعد از پایان جنگ سرد جنگ میان غرب و غیر غربی است. تمدن یک موجودیت فرهنگی است که تقسیم‌بندی به جهان اول دوم و سوم با ملاک نظام سیاسی و اقتصادی به پایان رسیده، الآن بر میانی فرهنگ و تمدن است. تمدن برترین گروه‌بندی فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی انسان است، تمدن‌ها پویا هستند، اوج می‌گیرند و سقوط می‌کنند و باهم ترکیب می‌شوند. اینکه چرا برخورد اتفاق می‌افتد چون که هر تمدنی دیدگاهی متفاوتی در رابطه بین خدا انسان، فرد و جامعه، شهروندان و دولت دارند. چون در عصر ارتباطات و تعاملات بین تمدن، جهان در حال کوچک شدن هستند و در نتیجه باعث افزایش آگاهی و وقوف تمدن‌ها بر اختلافات بین تمدن‌ها می‌شود و وجوه اشتراک آن‌ها را افزایش می‌دهد. تقابل بین مردم تمدن‌های مختلف، خودآگاهی تمدنی مردم را تقویت خواهد نمود و به نوبه خود به اختلافات و خصومت‌های ریشه‌دار تاریخی دامن می‌زند. درگیری بین تمدن در امتداد خطوط گسل بین تمدن‌های غربی و اسلامی سابقه هزار و سیصدساله داشته است. بعد از ظهور اسلام، هجوم اعراب مورها به شمال و غرب آغاز شد. از قرن سیزدهم تا سیزدهم جنگجویان صلیبی با موفقیت‌های گذار سعی داشتند تا مسیحیت را بر سرزمین مقدس حاکم نمایند. تمدن غرب تمدنی جهانی است و برای تمامی افراد بشر مناسب است (ابوالکلام و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳-۴۱). هر ساختار نظری مانند پارادایم می‌تواند توصیفی یا تجویزی باشد. نظریه توصیفی بر اساس پژوهش‌های تجربی و یافته‌های علمی است حال آنکه نظریه‌های تجویزی نشانگر نگره‌ای هنجاری هستند که بر اساس حکمت متعارف، داوری شخصی یا تمایلات شخص بنا شده‌اند. نظریه ساموئل به گروه تجویزی تعلق دارد. دغدغه اصلی وی سلطه غرب است که به‌سختی می‌توان آن را پنهان نمود (همان: ۸۹).

### ۳. نتیجه‌گیری

توسعه به مفهوم پیشرفت، شکوفایی و نوسازی است. یکی از مهمترین اهداف توسعه بهبود اوضاع اجتماعی-اقتصادی بشر، رهایی آن‌ها از چنگال فقر و بدبختی به سمت توسعه مادی، تقویت آرامش و امنیت اجتماعی، بهبود زیربنای فرهنگی، آموزشی و تربیتی است. توسعه در دنیای مدرن خود، هدفی غیر از هدف و آرمان اصلی خود را طی نمود و آن چنگ

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

انداختن به منابع و سرمایه مادی و معنوی کشورهای در حال توسعه بود. در چند دهه اخیر، با توجه به ناکامی نظریه‌های کلاسیک و مدرن توسعه در برآوردن نیازهای راستین بشری، ایده و مفهوم خطی توسعه در نظریه و مکاتب توسعه به چالش کشیده شد و معنا و تفاسیر جدیدی از توسعه با محوریت فرهنگ و انسان و اهمیت تقدم کارگزاری ملت بر دولت، عرضه شد که در اصطلاح به نظریه پسا توسعه مشهور شده است (سمیعی اصفهانی و حبیبی، ۱۳۹۴). در واقع توسعه در عصر جدید با عبور از تفکرات نوسازی و نظریه وابستگی به سمت مدل‌های پساتوسعه قدم گذاشته و اکثر جوامع با توجه به اهمیت منابع اقتصادی، خرده فرهنگ و هنجارهای جغرافیایی و وجود تضاد و تخاصم بین نظام‌های توسعه‌ای جهانی، به دنبال بازگشت به توسعه مدل بومی خود با الهام از دانش بومی در کنار همراهی با فرایندهای جهانی شدن هستند. اقتصاد مقاومتی، نوعی از الگوی چندگانه توسعه است که در نقد نظریه‌های نوسازی بکار گرفته می‌شود. این اقتصاد حاصل تجربه بومی و انباشت فرهنگی جامعه تلقی می‌شود. اقتصاد مقاومتی به عنوان رکن اصلی جهت‌گیری اقتصادی در راستای استحکام درونی کشور، ایده‌ای راهبردی است که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شده است (اخوان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). از مهمترین کلیدواژه‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- چشم انداز بیست ساله

- سیاست های کلی ابلاغی برای برنامه‌های توسعه پنج ساله

- سیاست های کلی اصل ۴۴

- عدالت خواهی / استقرار عدالت اجتماعی، ارتقای دینی و علمی و فرهنگی، امنیت و رفاه اقتصادی، افزایش عزت و اعتبار بین المللی /

- مبارزه با فقر و فساد و تبعیض / فرمان هشت ماده‌ای

- حکمت، عزت، مصلحت (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ۱۰۱).

اقتصاد مقاومتی، یک الگوی بومی شده از گفتمان اقتصاد اسلامی در موقعیت بومی و محلی ایرانی است (عبدالملکی و صادقی، ۱۳۹۵: ۱۱). با وقوع انقلاب اسلامی، تلاش‌های زیادی در جهت تحول در وضعیت توسعه نیافتگی ایران صورت پذیرفت. طرح ایده و نظریه اقتصاد مقاومتی به مثابه الگویی از مدیریت جهادی از سوی رهبر انقلاب در پاسخ به حربه و فشار اقتصادی جهان غرب مطرح شد (هزاوئی و زیرکی حیدری، ۱۳۹۳: ۹). در این میان مؤلفه فرهنگ مهم‌ترین عامل برای تحقق اقتصاد مقاومتی است و پیش از هر فعالیتی در جهت اقتصاد مقاومتی، ابتدا باید به صورت عمیق مقوله فرهنگ مورد توجه قرار گیرد (اخوان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). ضرورت‌های تاریخی توسعه در ایران الزام می‌نمود که در یک مقطعی به جای تداوم روند توسعه وابسته، اندکی توسعه درون‌زا را در پیش می‌گرفتند. توسعه کشور ایران در قرن ۱۵ به عنوان توسعه مستقل محسوب می‌شود. عصر صفوی سرآغاز و پایان آن، پایان عصر طلایی نظام توسعه و اقتصادی ایران محسوب می‌شود. وجود تساهل مذهبی و همگرایی سه ضلع دین اسلام، مذهب تشیع، حکومت ملی و اندیشه ایران‌گرایی، از کشور، هویت مستقل ساخت. نخستین بار تجارت تراز مثبت داشت و میزان صادرات داخلی بیش از واردات برون مرزی بود (حیدری، ۱۳۸۸). بعد از آن شکل‌گیری دولت رانتیر و جامعه کوتاه‌مدت (دین پرست و ساعی، ۱۳۹۱)، عصر قاجاریه و عصر پهلوی، استقلال توسعه را از بین برده، بدون بستر سازی بنیادهای فکری و مدلی جامعه؛ نوسازی را آغاز کرد و سرانجام منجر به وابستگی بیشتر و واردات بیشتر از خارج گردید. خودشیفتگی نخبگان آن زمان به عناصر نوسازی غربی، زیبای دنیای مدرن غربی، نوعی تقلید و کپی برداری از علوم و مدل‌های توسعه آن‌ها، بدون انطباق فرهنگی و

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جغرافیایی با کشور بود که امری که بعد از گذشت ۱۰۰ سال، هنوز، مسئله توسعه را دچار پروبلماتیک نموده است. روند توسعه کشور که از اواخر حکومت صفویان شکلی وابسته به خود گرفته بود در دوران حکومت پهلوی به دلیل سیاست‌گذاری‌های داخلی و خارجی در راستای در پیش گرفتن خطمشی غربی‌ها برای نوسازی به سبک و سیاق اروپا، شد. در حقیقت، اندیشه توسعه در ایران، با نحوه رؤیایی آن‌ها با پیشرفت‌های متقدم جامعه غربی شکل گرفته است. عصر صفوی که توسعه بیشتر جوششی از درون جامعه ایرانی بود در اثر فرایند اشرافی شدن، نبود نهاد مالکیت و موقعیت استراتژیک و تحت تهدید ایران، متوقف شد. در عصر قاجاریه، جامعه و فرهنگ ایرانی تحولاتی نسبتاً نوین را تجربه می‌کند. در این دوره، تمرکزگرایی، نزاع و رقابت بر سر قدرت، رکود نسبی اقتصاد ایران و استقراض از خارج، مه‌ترین ویژگی اجتماعی - سیاسی عصر محسوب می‌شود. گذار به عصر پهلوی نشان می‌دهد که فعالیت‌های نوسازی چندجانبه صورت گرفت که عمدتاً پاسخی به اقتضات جهانی و سپس اقتضات ملی بودند. در این دوره، ادغام ایران در نظام جهانی، شرایط توسعه وابسته را برای کشور به ارمغان آورد. دولت برای تحقق الگوی توسعه سرمایه‌داری دولتی، راهبرد صنعتی کردن و انقلاب سفید را در پیش گرفت که نتیجه آن، غربی شدن بود که حاصلی جزئی ناهمگونی و عدم توازن در جامعه نداشت (عنبری، ۱۳۹۴: ۵۳). در واقع آنچه را که تاریخ در جهت فهم الگوهای توسعه‌ای برای نخبگان نشان می‌دهد بیانگر شکست الگوهای تک‌خطی و تقلیدی برنامه و مدل‌های توسعه در کشور است که در ایران قبل از انقلاب به‌کرات در تاریخ بیان شده است (عشایری و همکاران، ۱۳۹۶). بررسی و تحلیل پیامدهای حاصل از برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب اسلامی در امر گذر از توسعه وابسته به نیمه وابسته و از مرحله نیمه وابسته به توسعه مستقل، بیشتر نمایان می‌گردد. برنامه‌هایی که در مدت مدیدی، ضمن شکست، ایران را به تجربه نوینی از مدل اقتصادی رساند و آن، توسعه مبتنی بر الگوی اسلامی-ایرانی است. توسعه‌ای که بنیان‌های آن را سبک زندگی اسلام محور، اندیشه‌های دینی و الگوگیری از فرهنگ و سنت‌های اجتماعی تاریخ اسلام است. الگوهایی که محور اندیشه‌ای آن متناسب با فرهنگ و باور داشت‌های ایرانی - اسلامی است نه بر خواسته از شرایط تاریخی جوامعی دیگر (نیازی و همکاران، ۱۳۹۷). در جهانی که حکومت و قانون واحد جهانی برای اداره توزیع مقادیر محدود منابع میان کشورها وجود ندارد، نه تنها تحصیل مزیت نسبی برای برخی بازیگران متضمن عدم مزیت برای برخی دیگر است، بلکه اغلب تشخیص درست توزیع مزایا مجادله‌آمیز و گمراه‌کننده است. توصیف برجام به معادله برد-برد نباید مانع از اندیشیدن به توزیع مزایای نسبی هر کدام از طرفین شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰: ۳۵۰). تأسیس نهادهای چندجانبه مانند بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل متحد، هرچند به‌مثابه ابزاری مؤثر برای ترویج نظم جهانی آمریکایی نگریسته می‌شد، اما در عمل این امکان را برای سایر رقبای آمریکا فراهم کرد که بدون صرف هزینه‌های زائد، پلکان هرم نظام جهانی را باهدف نزدیک‌تر شدن به منزلت ایلات متحده طی کنند. امروز تعداد بیشتری در ایلات متحده تردید دارند که سازمان ملل، فلسفه تجارت آزاد و تشویق به دموکراسی، خادم منابع جهانی ایلات متحده باشند. در دوران جدیدتر، چیرگی ایلات متحده بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نه تنها به تملک تاج و تخت جهانی از سوی آمریکا کمکی نکرد، بلکه با آزاد کردن نیروهای مرکز گریز سرکوب‌شده توسط ایدئولوژی‌های کمونیسم در ترکیبی مرگبار با قوای جهانی‌شدن‌های ارتباطی و مالی، نطفه هرج‌ومرجی را پرورش داد که تا به امروز ایلات متحده را مقهور خود کرده است. از دیدگاه منتقدان آمریکایی، مطابق با برجام، تأسیسات غنی‌سازی ایران به کار خود ادامه خواهد داد، جمهوری اسلامی ایران همچنان به تحقیق و توسعه به منظور تولید سانتریفیوژهای نسل جدید ادامه خواهد داد و در پایان ۱۵ الی ۲۵ سال و خاتمه بخش مهمی از تعهدات،

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خرداد ۱۳۹۸

می‌تواند این تکنولوژی‌های نوین را برای ارتقای صنعت هسته‌ای به کارگیرد. به همین ترتیب، توافق هسته‌ای، ایران را به منزله کشوری در آستانه هسته‌ای به رسمیت می‌شناسد. اصل چالش در مورد غنی‌سازی بود که نهایتاً با برجام، ایران بر قدرت‌های جهانی غالب شد و این حق را تثبیت کرد و به آن‌ها قبولاند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵: ۳۵۳-۳۵۲). به‌طور کلی، وقایع تاریخی و منازعات سیاسی بین جوامع جهانی، حاکی از فقدان یک الگوی یکدست درباره توسعه و برون‌رفت از مشکلات اقتصادی است. روایت برجام به عنوان یک سند جهانی، نیز می‌تواند بازگشت جامعه به سمت مدل‌های توسعه درون‌زا و بومی در راستای کاهش وابستگی و ضمن داشتن تعامل مناسب با نظام جهانی باشد. براین اساس، برجام نمی‌تواند به عنوان رکن مهم توسعه بومی برای کاهش معضلات اجتماعی و حل بحران فعلی اقتصادی جامعه تلقی شود. این سند یک نوع توسعه و الگوی بیرونی است که اتکا جامعه به آن برای دستیابی به چشم‌اندازهای خود، باعث بروز بحران‌های دیگری خواهد شد که در عرصه روابط بین‌الملل بیشتر نمایان می‌شود.

### ۱-۴. پیشنهادی کاربردی پژوهش

- بازگشت به تاریخ توسعه جوامع و فهم اهداف سیاسی برنامه‌های توسعه از جمله اجماع و اشنگتن، تعدیل ساختاری و طرح‌های نئولیبرال

- حل منازعات سیاسی داخلی و ایجاد مدل انسجام سیاسی و اجتماعی بین گروه‌های سیاسی در برابر غرب

- تعامل عقلایی و از سر عزت ملی با رقبای جهانی در چارچوب معاهده سیاسی و اجتماعی با حفظ عزت ملی

- تقویت دیپلماسی فرهنگی در عرصه توسعه و معرفی دستاوردهای توسعه‌ای و بومی ایران به جهان

- بازگشت به سرمایه‌های داخلی جامعه، ایجاد اجماع بین نخبگان علمی و سیاسی و زمینه‌سازی بستر جهت بازگشت نخبگان دلسوز امنیت ملی سوایی سلاقی سیاسی

- پایان دادن به اندیشه‌ها و تفکرهای حزبی و سیاسی در حل مسئله توسعه ایران

- ارج نهادن به نهادهای توسعه‌ای کشور از جمله ارگان‌های کشاورزی، دامداری و صنایع دستی

- تقویت شرکت‌های خانگی و نو بنیان محیط‌های سنتی و کاهش واردات کالا از شرکای خارجی

### فهرست مراجع

ابوالکلام و همکاران (۱۳۸۹). پاسخ آسیا به برخورد تمدن‌ها. به کوشش سلیم رشید. ترجمه سید محمدصادق خرازی. تهران: خورشید آفرین

احمدی، حمید و بیدالله خانی، آرش (۱۳۸۶). پساتوسعه‌گرایی و بازنمایی انتقادی از گفتمان توسعه. رویکردی مردمی. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال پنجم. شماره سوم.

اخوان، پیمان و همکاران (۱۳۹۴). تبیین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی در کشور. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال چهاردهم. شماره ۱۲

بیات. عبدالرسول و دیگران (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌ها. قم: اندیشه و فرهنگ اسلام.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران، تهران: دفتر نشر معارف

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹). کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.



# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵). برجام و دستاوردهای آن: موضوعات نظامی و تحلیلها، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- حیدری، اشرف (۱۳۸۸). تئوری‌های رهبری. تهران: میرشیدا
- دین‌پرست، فائزه و ساعی، علی. (۱۳۹۱). دولت رانتیر و سیاست‌گذاری توسعه: تحلیل موانع توسعه اقتصاد ملی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۴)، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۴، شماره ۲
- رسولی بیرامی، ناصر (۱۳۸۶). مسیر تمدن. مسیر انحطاط. تهران: انتشارات بهجت
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و نیری، هومن (۱۳۹۴). بحران اقتصاد جهانی و تأثیر آن بر اعتماد سیاسی شهروندان به کشورهای اتحادیه اروپا. فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن. سال ششم. شماره شانزدهم. پای ۱۹
- سمیعی اصفهانی، علیرضا و حبیبی، فاطمه (۱۳۹۴). نظریه پسا توسعه و الگوی اقتصاد مقاومتی در جمهوری اسلامی ایران. رویکرد مقایسه‌ای. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج. سال ۱۸، شماره ۶۶
- شیر غلامی، خلیل (۱۳۹۰). اسلام هراسی و اسلام‌ستیزی، ده سال پس از حادثه ۱۱ سپتامبر. فصلنامه سیاست خارجی. سال بیست و پنجم، شماره ۴
- صداقت ثمر حسینی و همکاران (۱۳۹۲). جهانی‌سازی و فرهنگ در اندیشه متفکران غرب. راهبرد فرهنگ. شماره بیست و سوم
- عبدالملکی، هادی و صادقی، ستار (۱۳۹۵). درآمدی بر راهبردهای اقتصاد مقاومتی. تهران: پژوهشکده مطالعات بسیج
- عشایری، طاهما، سعادت، موسی، کلاته، زهرا (۱۳۹۶). نقد و تحلیل مدل‌های توسعه غربی و پیشبینی مدل بومی جایگزین توسعه در ایران. اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج علوم انسانی در جامعه. تهران. انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین
- علاوند. فریبا (۱۳۹۲). الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. ضرورت و موانع. تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- عنبری، موسی (۱۳۹۳). موانع معرفتی بوم اندیشی توسعه در ایران. فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی. شماره ۲۲
- عنبری، موسی (۱۳۹۴). ارزیابی جامعه‌شناختی نظریه استبداد ایرانی در تحلیل‌های توسعه تاریخی ایران، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، دوره ۲۲، شماره یک، ص ۵۱-۷۶
- قنبری، آیت (۱۳۸۸). پیامدهای برخورد تمدن‌ها برای ایران. وبسایت پورتال نور
- کاتوزیان، محمدعلی همایون. (۱۳۸۳). ایدئولوژی و روش در اقتصاد. ترجمه محمد قائد. تهران: نشر مرکز
- کریمی، امید؛ جلالی، محمد و رئیسی، لیلیا (۱۳۹۶). تحلیل حقوقی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و بررسی رابطه آن با برجام. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی. دوره ۴۷، شماره ۴. ص ۹۹۵-۱۰۲۱
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۶). جهانی‌شدن. فرهنگ. هویت. تهران: نشر نی
- محمدی، منوچهر (۱۳۸۸). برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال پنجم. شماره ۱۶
- منوچهری، محمد (۱۳۸۷). برخورد تمدن‌ها یا برخورد با نظام سلطه. حکومت اسلامی. سال سیزدهم. شماره دوم
- نش، کیت (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر جهانی‌شدن. سیاست و قدرت. ترجمه محمدتقی دل‌فروز. با مقدمه حسین بشیریه. تهران: انتشارات کویر
- نهبان‌دیان، محمد (۱۳۸۷). ما و جهانی‌شدن. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات زندگی
- نیازی، محسن، عشایری، طاهما و نامیان، فاطمه (۱۳۹۷). ضرورت تاریخی گذار از الگوی توسعه وابسته به مدل توسعه بومی - مستقل. هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- هال، استوارت (۱۳۸۶). غرب و بقیه. ترجمه محمود متحد. تهران: نشر آگه

# هشتمین کنگره علمی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

هانتینگتون، ساموئل پی (۱۳۹۰). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علم  
هزاوئی، مرتضی و زیرکی حیدری. علی (۱۳۹۳). اقتصاد مقاومتی. نماد مدیریت جهادی در اقتصاد سیاسی ایران. فصلنامه علمی – پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال یازدهم. شماره ۳۷

- Barkun. Michael (2003). *A Culture of Conspiracy: Apocalyptic Visions in Contemporary America*. University of California Press; 1 edition. ISBN 0-520-23805-2.
- Buchanan. Patrick J. (1999). *A Republic. Not an Empire: Reclaiming America's Destiny*. Regnery Publishing. Inc. ASIN B001NHW8GI.
- Camp. Gregory S. (1997). *Selling Fear: Conspiracy Theories and End-Times Paranoia*. Commit Walsh. ASIN B000JON8NC.
- Escobar. A. (1995). *Encountering Development: The Making and Unmaking of the Third World*. Princeton: Princeton University Press.
- Fenster. Mark (2008). *Conspiracy Theories: Secrecy and Power in American Culture (2nd Ed)*. University of Minnesota Press. ISBN 0-8166-5494-8.
- Goldberg. Robert Alan (2001). *Enemies Within: The Culture of Conspiracy in Modern America*. Yale University Press. ISBN 0-300-09000-5.
- Kinzer. Stephen (2008). US must share power in new world order. Says Turkey's controversial president. *The Guardian* (London).
- Leffler. Melvyn P. (2010). The emergence of an American grand strategy. 1945–1952. In Melvyn P. Leffler and Odd Arne Westad. Eds. *The Cambridge History of the Cold War. Volume 1: Origins* (pp. 67–89). Cambridge: Cambridge University Press. ISBN 978-0-521-83719-4.
- Macey. Jonathan R. and Miller. Geoffrey P (1992). *The End of History and the New World Order: The Triumph of Capitalism and the Competition between Liberalism and Democracy* Faculty Paper 1645.
- O'Hanlon. R & Washbrook. D (2002). *After Orientalism: Culture. Criticism. And Politics in the Third world*. Post colonialism: Critical Concepts in Literary and Cultural Studies. London and New York. Routledge. Oxford. Oxford University.
- Patrick. Stewart (2010). *Irresponsible Stakeholders? The Difficulty of Integrating Rising Powers*. Foreign Affairs.
- Rahnema. Majid and Victoria Bawtree (1997). *the Post-Development Reader*. London: Zed Books.
- Sachs. Wolfgang (1992). *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*. Zed Books. ISBN 1-85649-044.
- Sachs. Wolfgang (1992). *The Development Dictionary: A Guide to Knowledge as Power*. Zed Books. ISBN 1-85649-044.
- Wells. H. G. (2006). *The New World Order*. Hesperidia Press. ISBN 1-4067-2262-6.
- Willis. Katie (2005). *Theories and Practices of Development*. New York: Routledge.